

الله أكبر
٢

اثرات نامطلوب تدریس خصوصی ابعاد، تبعات و واکنش دولت‌ها

نویسنده:

مارک بری

مترجم:

دکتر حسن ستایش



انتشارات آوای نور

تهران-۱۳۹۲

سرشناسه	: بری، مارک، ۱۹۵۲ - م. Mark ,Bray
عنوان و نام پدیدآور	: اثرات نامطلوب تدریس خصوصی ابعاد، تبعات و واکنش دولت‌ها/ نویسنده مارک بری؛ مترجم حسن ستایش.
مشخصات نشر	: تهران: آوای نور، ۱۳۹۲. مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص: ۱۴/۲۱×۵/۵س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۳۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی:
	Adverse effects of private supplementary tutoring : dimensions, implications and government responses , ۲۰۰۳.
موضوع	: تربیت خانوادگی/ آموزش و آموزشیاران غیر حرفه‌ای/ تدریس فرد مدار
موضوع	: آموزش در خانه
شناسه افزوده	: ستایش، حسن، ۱۳۳۶ - مترجم
رده بندی کنگره	: HQ۱۳۹۲۷۶۹ الف۲ب/
رده بندی دیویی	: ۱/۶۴۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۰۷۳۵۱



اثرات نامطلوب تدریس خصوصی ابعاد، تبعات

و واکنش دولت‌ها
تالیف: مارک بری
ترجمه: دکتر حسن ستایش
ناشر: انتشارات آوای نور
صفحه آرا: منیرالسادات حسینی
چاپ اول ۱۳۹۲
تیراژ: ۵۰۰
صحافی: نشاط
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۳۸-۵
تهران- انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- خیابان شهیدوحید نظری- پلاک ۹۹
تلفن: ۶- ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲ / همراه: ۰۹۱۲۲۰۰۴۵۵۷
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت ۷۵۰۰ تومان

"فهرست مطالب"

مقدمه مترجم.....	۱۱
تشکرنامه	۲۵
معرفی مجموعه‌ها.....	۲۷
خلاصه اجرایی	۳۳
مقدمه	۳۷
فصل ۱: ماهیت، میزان و علل تدریس خصوصی	۳۹
ماهیت تدریس خصوصی	۳۹
میزان تدریس خصوصی	۴۴
علل تدریس خصوصی	۴۸
فصل ۲: اثرات تدریس خصوصی	۵۵
اثرات آموزشی	۵۵
اثرات اجتماعی	۶۱
اثرات اقتصادی	۶۶
فصل ۳: واکنش‌های دولتها: پنج مطالعه موردی	۶۹
جزیره موریس	۶۹
هنگ گنگ	۷۵
سنگاپور	۸۴
تایوان	۸۹

۹۷..... جمهوری کره

۱۰۵..... فصل ۴: درس‌هایی از تحلیل مقایسه‌ای خط‌مشی

۱۱۱..... نتیجه

۱۱۹..... فهرست منابع

تقديم به روح بلند و پرفتوح

شهيد

محمد نودهقي (بجنوردي

(

به نام آنکه جان را فکرت
آموخت

"بسمه تعالی"

معرفی

متن حاضر ترجمه کتاب *Adverse Effects of Private Supplementary Tutoring Dimensions, Implications and Government Responses* اثرات نامطلوب تدریس خصوصی: ابعاد، تبعات و واکنش دولتها" است که توسط مارک بری رئیس دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه هنگ‌کنگ و عضو مرکز تحقیقات آموزش و پرورش تطبیقی این دانشگاه، با نظارت موریل پویسون متخصص برنامه‌درسی و جکس هالاک مشاور بین‌المللی در مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی (IIEP) فراهم گردیده است. مارک بری در این کتاب به بازنمایی ماهیت منفی و تأثیرات نامطلوب تدریس خصوصی در برنامه‌های آموزش رسمی و اقتصاد خانواده‌ها و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان پرداخته و عکس‌العمل دولتها را در برابر این مشکل جهانی نشان داده است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که هنوز دولتها نسبت به این مسئله، تصمیم مشترکی نگرفته‌اند و هر کدام با توجه به وضع آموزش و پرورش کشور خود، برخورد خاصی با آن کرده‌اند.

با توجه به فقدان منابع و ادبیات پژوهش در زمینه تدریس خصوصی، این انتشارات، ترجمه چنین متونی را در جهت غنی‌سازی منابع این حوزه لازم می‌داند. البته اهمیت این موضوع را نباید از نظر دور داشت که از طریق تدریس خصوصی دانش‌آموزان دانش بیشتری کسب می‌کنند و این خود به توسعه اجتماعی و ملی کمک می‌کند. همچنین تدریس خصوصی می‌تواند به دانش-

آموزان ضعیف کمک کند تا از همکلاسی‌های خود عقب نمانند؛ اعتماد به نفسشان بالا برود و نگرششان در جهت مطالعهٔ درسی، پشتکار و نظم اجتماعی ارتقاء یابد. بنابراین در چنین شرایطی تدریس خصوصی یک ضرورت اجتناب-ناپذیر برای نظام آموزش رسمی محسوب می‌شود.

انتشارات آوای نور بر خود لازم می‌داند از آقای دکتر حسن ستایش برای تهیهٔ کتاب حاضر و ترجمهٔ آن تشکر و قدردانی نماید.

انتشارات آوای نور

مقدمه مترجم

تدریس خصوصی به عنوان آموزش تکمیلی دانش‌آموزان در کنار آموزش و پرورش رسمی کشورمان از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است که هر کدام در جای خود قابل نقد و بررسی است. متأسفانه اطلاعات جامعی در این زمینه که بتواند در رفع مشکلات آموزشی مورد استفاده قرار گیرد وجود ندارد. این مسئله هم در مورد تدریسهای خصوصی خانگی صادق است و هم تدریسهای خصوصی آموزشگاههای آزاد.

ناگفته پیداست که عدۀ کثیری از طریق تدریس خصوصی خانگی ارتزاق می‌کنند، که این خود بخشی از اقتصاد خانواده‌ها را تأمین می‌کند و هزاران آموزشگاه علمی آزاد با مجوز رسمی در کشور فعالیت می‌کنند که خود صدها هزار دانش‌آموز را زیر پوشش دارند. به علاوه، دهها هزار نیروی شاغل آموزشی و اداری نیز در این آموزشگاهها مشغول به کار هستند که اهمیت عملکردشان از نظر اشتغالزایی قابل انکار نیست؛ آموزشگاههایی که غیر از مدارس نیمه دولتی (شامل مدارس نمونه مردمی و هیئت امنایی و شاهد، استعدادهای درخشان و مدارس غیر انتفاعی) و مدارس مستقل (مانند کلاسهای شبانه، نهضت سوادآموزی و مراکز آموزش از راه دور) و کلاسهای آموزش و فنی و حرفه‌ای در حوزه صنایع کشاورزی، مدیریت بازرگانی، خدمات، صنایع دستی و بهداشت (کمکهای اولیه) و مدارس خصوصی اقلیتهای مذهبی و غیره هستند.

اما ما بر آنیم که در اینجا فقط از تدریس خصوصی سخن بگوییم. آنچه از تدریس خصوصی مورد نظر ماست، پدیده‌ای ناشی از نارسائیهای نظام آموزشی کشور است که در اختیار بخش خصوصی و بازار آزاد قرار دارد. تدریس خصوصی معمولاً در تمام مقاطع تحصیلی اعم از دبستان، دبیرستان (دوره‌های اول و دوم متوسطه)، تیزهوشان، کنکور، المپیاد و دانشگاهی در درسهایی که نسبتاً دشوار هستند صورت می‌گیرد. مثلاً در سطح دبیرستان دروس زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی، زیست-شناسی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، اقتصاد، هندسه و حسابان، دیفرنسیل و انتگرال تدریس می‌گردد که در ضمن اینها مهارتهای تست‌زنی و حل تمرین برای کنکور نیز آموخته می‌شود.

تدریس خصوصی در رشته‌های دانشگاهی نیز اخیراً رایج شده‌است. اکنون درسهایی مانند زیست‌شناسی (ژنتیک و زیست مولکولی)، ریاضیات (ریاضی مهندسی آمار و احتمال، معادلات دیفرانسیل، ریاضیات گسسته و جبر خطی و ..)، برق (شامل الکترونیک ۱ و ۲، مدار الکتریکی ۱ و ۲ و مدار منطقی) و سیستمهای کنترل خطی، شیمی، در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و درسهای مکانیک، استاتیک و دینامیک و مقاومت مصالح و طراحی اجزاء ماشین برای رشته‌های کاردانی به طور خصوصی تدریس می‌شود و کلاسهای آمادگی آزمون کارشناسی ارشد و دکترا نیز توسط مؤسسات رسمی و غیررسمی به مشتریان پیشنهاد می‌گردد. همچنین آموزش زبانهای غیردرسی مانند انگلیسی، فرانسه، عربی، آلمانی، ایتالیایی و روسی و آموزش مکالمات روزمره، فنون ترجمه، دستور زبان انگلیسی به صورت خصوصی و نیمه‌خصوصی تدریس می‌شود. جالب اینکه در همه اینها، از مبتدی تا پیشرفته ادعا بر این است که آموزش با روشهای آسان و مدرن ارائه می‌شوند و با روشهای سنتی مرسوم در مدارس تفاوت دارند.

البته موضوع به‌روز شدن نظام آموزش و پرورش و تطبیق آن با نیازهای امروزی، از اهمیت خاصی برخوردار است اما وقتی که دانش‌آموز از نظام آموزشی حاکم بر مدارس، نیازهای خود را تأمین نکند، باید به نحوی عقب‌ماندگی ناشی از کمبودهای آموزش و پرورش را جبران نماید و تنها راه حلی که در جامعه ما به این دانش‌آموزان ارائه می‌شود، رفتن به کلاسهای خصوصی یا نیمه‌خصوصی است؛ زیرا زمانی که یک دانش‌آموز قادر به دنبال کردن برنامه‌های جاری کلاس درس نیست و نمی‌تواند همگام با بقیه دانش‌آموزان حرکت کند، باید به طریقی به کمک او همت گمارد. یکی از این شیوه‌ها این

است که به شکل انفرادی به او آموزش داده شود، به نحوی که او را با آنچه از او توقع می‌رود هماهنگ کند. اینجاست که وجود مراکز و مؤسسات آموزشی و تدریسه‌های خانگی ضرورت می‌یابد.

همه می‌دانیم که هزینه کلانی از منابع دولتی صرف تحصیل دانش‌آموزان در مدارس می‌گردد و سرانجام بسیاری از دروس بی‌کمترین نتیجه‌ای گذرانده می‌شود و روزها و عمرهاست که کودکان و نوجوانان بی‌گناه مردم هدر می‌دهند. مثلاً در درس زبان خارجه، انگشت‌شمارند دانش‌آموزانی که پس از شش سال تحصیل در این درس بتوانند با یک گردشگر خارجی رابطه برقرار کنند. اما بسیاری زبان‌آموزانی که با سابقه دو ترم حضور در کلاسهای خصوصی، به قول معروف همانند بلبل انگلیسی حرف می‌زنند!

با نگاهی به گذشته، می‌توان گفت نخستین آموزشهای خصوصی، آموزش‌های خانگی است و بعدها بر حسب ضرورت مؤسسات و آموزشگاههای آزاد رسمی و غیررسمی به وجود آمدند که در قالب آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای و مؤسسات فرهنگی آموزشی و آموزشگاههای علمی آزاد شروع به کار نمودند.

تدریس خصوصی خانگی: فرهنگ تدریس خصوصی در سرزمین ما، فرهنگ نسبتاً تازه‌ای است. برخلاف بسیاری از نقاط دیگر دنیا که چنین پدیده‌ای را برای سالیان طولانی تجربه کرده‌اند، عمر تدریس خصوصی به معنای اعم کلمه، در کشور ما شاید به اندازه عمر مدارس رسمی و نظام آموزشی جدید است که با ساختارهای قدیمی و آموزش سنتی بسیار متفاوت بوده‌است. در نظام آموزشی گذشته، همه چیز به همان کلاس و همان معلم ختم می‌شد و اگر کسی در درسی ضعیف بود حداکثر می‌توانست کتابهای حل المسائل و کمک آموزشی تهیه کند تا بعضی مشکلاتش را حل نماید؛ و دیگر خبری از تدریس خارج از مدرسه نبود.

تدریس خصوصی در واقع از نظامهای آموزشی رایج در کشورهای اروپایی گرفته شده‌است. در این کشورها بخصوص در دوران گذشته، فرزندان خانواده‌های اشراف و مرفه، عموماً در مدارس عمومی حاضر نمی‌شدند و تعلیم و تربیت آنها از سنین کودکی تحت نظر یک معلم انجام می‌شد. این معلم که ساعات طولانی روز را با کودک می‌گذراند، ضمن تعلیم اصول اخلاقی و تربیتی، مسئول آموزش خط و زبان و تاریخ و جغرافیا و ریاضی و معارف دیگر نیز بود. بعدها این شیوه آموزش به طبقات متوسط نیز رسید.

اما از وقتی که مدارس عمومی تأسیس شدند و تقریباً از همه طبقات در آن شرکت کردند، ماجرا به گونه‌ای دیگر شد. در آن زمان وقتی دانش‌آموزی در یک یا چند درس ضعیف بود معلم مربوطه‌اش به دانش‌آموزی که در همان درس قوی‌تر بود مأموریت می‌داد تا در ساعات فراغت خود به رفع اشکالات آن دانش‌آموز بپردازد. بعدها این امر جای خود را به کمک خواستن از اقوام و آشنایان داد و ادامه‌اش منجر به ورود برخی از صاحبان توانایی‌های مختلف به این عرصه شد و آن چیزی که امروزه "تدریس خصوصی" نامیده می‌شود شکل گرفت. کسانی که هم‌اکنون به طور مستمر یا جسته و گریخته در زمینه تدریس خصوصی فعالیت دارند به سه گروه کاملاً مشخص تقسیم می‌شوند:

- ۱- گروهی که دارای سوابق آموزشی بوده و در این زمینه شاغل یا بازنشسته هستند.
- ۲- عده‌ای که شاغل یا بازنشسته نظام آموزشی کشور نیستند اما تجارب و مهارتهایی در زمینه تدریس دارند.
- ۳- گروهی که هیچ تخصصی در زمینه تدریس خصوصی ندارند و چون کار دیگری از دستشان بر نمی‌آید به این شغل روی آورده‌اند.

اگرچه فعالیتهای گروه‌های اول و دوم نیز جای سؤال و اما و اگر دارد، ولی به هر حال، چون دارای دانشی در این زمینه هستند قابل تأمل به نظر می‌رسند. در مورد فعالیت گروه سوم باید گفت که اعتماد کردن خانواده‌ها به آنان هیچ توجیهی ندارد و متأسفانه اغلب خانواده‌ها خواسته و ناخواسته به دام این افراد می‌افتند و دچار زیان مالی می‌شوند که در این میان لطمات جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان وارد می‌آید.

آموزشگاههای آزاد: برای پاسخگویی به نیاز بازار، اغلب وزارتخانه‌ها و دفاتر دولتی، مراکزی را به این قبیل آموزشها اختصاص دادند که با گذشت زمان و افزایش نیاز بازار کار و تنوع در آموزشها، آموزشگاههای آزاد از یکدیگر تفکیک شدند و هر کدام به شکلی مستقل به فعالیت خود ادامه دادند. در حال حاضر تعدادی از این مراکز زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند (برای رشته‌هایی مانند موسیقی ساز و تار و ستور ارگ و پیانو و گیتار و مجسمه‌سازی و نقاشی، عکاسی، کاریکاتور و...). گروه دیگری توسط وزارت کار کنترل می‌شوند (برای رشته‌هایی مانند حسابداری و گریم و خودآرایی، آرایشگری و کامپیوتر اعم از سخت‌افزار و نرم‌افزار به صورت یک کاربر حرفه‌ای) از مبتدی تا حرفه‌ای در قالب کلاسهای خصوصی و نیمه‌خصوصی جهت آمادگی مشتریان برای بازار کار تشکیل می‌شوند. دسته سوم نیز مراکزی هستند که تحت نظر اداره آموزشگاههای آزاد و مراکز غیرانتفاعی وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به فعالیت خود می‌پردازند.

چنانکه گفتیم تأسیس آموزشگاههای علمی آزاد بر مبنای نیاز جامعه دانش‌آموزی صورت گرفت، ولی بعدها با آغشته شدن به اهداف و اغراض اقتصادی در امر آموزش، به سرعت بر تعداد آنها افزوده شد و روند نظام آموزشی کشور به سمتی پیش رفت که اگر دانش‌آموزی از این کلاسها استفاده نمی‌کرد، دچار این احساس می‌شد که فرصتی را از دست داده یا از موقعیت به وجود آمده به شکل مطلوب بهره نبرده است؛ بخصوص از هنگامی که طرح‌های نوین آموزشی در نهاد آموزش و پرورش به اجرا درآمد و مشکلات آموزشی متعدد، دانش‌آموزان را در شرایط تحصیلی دشواری قرار داد؛ از جمله اینکه کتابهای درسی، پرحجم باقی ماند و در مقابل، زمان کلاسها تقلیل پیدا کرد و معلمان بدون انگیزه و تحت فشارهای اقتصادی و حجم کار زیاد در چند مدرسه، از ارائه خدمات آموزشی خود بازماندند و عملاً قسمتی از وظیفه تعلیم فرزندان این مرز و بوم برعهده این قبیل آموزشگاهها گذاشته شد.

و اما در مورد علل پیدایش تدریس خصوصی می‌توان گفت در تمامی کشورهای دنیا آموزشگاههای علمی آزاد به این منظور تأسیس می‌شوند که فرصتی برای آموزشهای تکمیلی در اختیار افراد علاقه‌مند قرار دهند، اما نه برای آنکه وظیفه‌ای را که به عهده نظام آموزش و پرورش رسمی است انجام بدهند. کلاسهای خصوصی با تعداد کم، اما تأثیرگذار، در دوران گذشته نوید خوبی برای کسانی بود که می‌خواستند سطح دانش و آموخته‌های خود را گسترش دهند. اما امروزه این کلاسها، کارایی لازم را که از آنها انتظار می‌رفت از دست داده‌اند و تنها بیانگر روش و نوعی از آموزش هستند که دانش‌آموز در پرتو آن می‌تواند نمره بگیرد. در واقع به وجود آمدن آموزشگاههای علمی آزاد همچون زبان، کلاسهای تقویتی، تجدیدی، تکدرس و... نشانگر ضعف نهاد آموزش و پرورش است. واقعیت این است که کلاسهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و گروهی تنها به علت عدم کیفیت مطلوب آموزشی در مدارس رسمی، رشد قارچ‌گونه می‌یابند و اگر نظام ناکارآمد و ایستای کنونی به روند خود ادامه دهد، رها کردن نظام آموزشی کشور از ورطه شکست و نابودی کاری بسیار مشکل و هزینه‌بر خواهد بود.

بر این اساس می‌توان گفت که تمامی این آموزشگاهها، کاری موازی با مدارس انجام می‌دهند؛ همان کاری که اگر در مدارس به درستی انجام می‌شد، دیگر نیازی به آموزشهای آزاد و کلاسهای تجدیدی و تکدرس و... نبود. بلکه حتی اگر لازم بود چنین مراکزی هم به وجود بیایند، برای تکمیل آموزشهایی بود که دانش‌آموز در مدرسه می‌گرفت، نه جبران کم‌کاری و ضعف نظام آموزشی رسمی و دولتی. به هر حال، وجود آموزشگاههای علمی آزاد در کنار نهاد رسمی آموزش و پرورش واقعیتی انکارناشدنی است؛ اگرچه از ابتدا هدف چنین آموزشگاههایی با تعداد کم و حضوری حساب شده، کمک به افزایش میزان توانمندیهای دانش‌آموزان بود.

بدیهی است وقتی که نظام آموزشی در کشور ما به عنوان یک نهاد اجتماعی با کارکردها و وظایف مشخص که مسئولیت تعلیم و تربیت حدود دوازده میلیون دانش‌آموز را به عهده دارد نتواند به خوبی وظایف خود را انجام بدهد؛ حتی به کارگیری نزدیک به یک میلیون معلم و دستگاہی عریض و طویل تنها به پیچیدگی امور افزوده و آنچه را که نیاز جامعه بوده تأمین نکند و معلمان بدون

انگیزه تحت فشارهای مختلف اقتصادی، حجم کار زیاد و... از ارائه مطلوب آموزشهای خود باز بمانند، به طور طبیعی زمینه رشد کلاس‌های آموزشی خصوصی و نیمه‌خصوصی به وجود خواهد آمد.

طبق نظر کارشناسان، شرایط مطلوب آموزش، زمانی است که فرصت یادگیری کامل در خود کلاس درس وجود داشته باشد و معلم خصوصی فقط برای کمک به دانش و مهارتی خاص است که فراتر از برنامه‌های درسی در نظر گرفته می‌شود؛ اما متأسفانه در نظام آموزشی غیررسمی ما، رقابت‌های تحصیلی برای موفقیت‌های بیشتر بخصوص در عرصه کنکور باعث شده نظام مدون آموزشی جوابگوی این رقابت‌های فشرده نباشد و آموزش‌های تکمیلی تنها از طریق تدریس خصوصی فراهم شود. وقتی دانش‌آموزی می‌بیند اغلب هم‌کلاسی‌های او برای دروسهای مختلف، معلم خصوصی دارند و اعتقادشان بر این است که بدون معلم خصوصی قبولی در کنکور امکان پذیر نمی‌باشد، خودبخود سراغ کلاسهای کنکور می‌رود، بخصوص که در این میان تبلیغات رسمی و غیررسمی نیز، احساس این دانش‌آموز را تقویت می‌کنند. رسانه‌ها، پیامک‌ها، روزنامه‌ها و در دیوار شهر، پر از آگهی‌هایی است که به لزوم وجود آموزش بیشتر از مدرسه تأکید می‌ورزند. موضوعاتی از قبیل قبولی صددرصد تضمینی، برگزاری دست‌کم ۴۰ دوره آزمون به شیوه‌ای خاص، بیشترین ساعات آموزشی، برنامه‌ریزی حتی برای تعطیلات و روزهای سال نو، مشاوره خصوصی، حضور استادان باتجربه، کلاسهای آمادگی امتحانات و تست‌زنی و ارتقاء معدل و... جزء تبلیغاتی است که توسط این مؤسسات انجام می‌شود. کار به جایی رسیده‌است که دانش‌آموز گریزپا از نظام آموزشی رسمی و دولتی به سراغ کلاسهای خصوصی می‌رود تا به هدف خود که همانا گرفتن نمره قبولی و عبور موفقیت‌آمیز از سد کنکور یا کسب معدل بالاتر است برسد.

آموزشگاه‌های خصوصی با استفاده از قدرت تبلیغات، این موضوع را تقریباً در ذهن دانش‌آموزان و اولیاءشان به این باور تبدیل کرده‌اند که فقط شرکت‌کنندگان در کلاس‌های این آموزشگاه‌ها می‌توانند از رتبه‌های برتر کنکور و اصولاً راه-یافتگان به دانشگاه و یا حتی قبول‌شدگان در امتحانهای پایان ترم مدارس باشند؛ و تصور بر این است که کلاسهای خصوصی فرصت خوبی است تا آنچه را که در کلاسهای شلوغ مدرسه به طور کامل نیاموخته‌اند، در کلاسهای خصوصی بخوبی یاد بگیرند. به همین دلیل اولیاء و دانش‌آموزان حاضرند شهریه شرکت در این کلاس‌ها را با هر مشقتی که شده‌است، تأمین کنند. در این میان، برخی مؤسسات آموزشی هستند که حتی به طور غیرمجاز تأسیس شده‌اند، هر کدام با تبلیغات دروغین سعی در اغوای داوطلبان کنکور و خانواده‌هایشان دارند. متأسفانه رسانه‌ها و مطبوعات نیز اقدام به تبلیغ این مؤسسات می‌کنند و هیچ نهاد یا سازمانی بر تبلیغ این مؤسسات نظارتی ندارند و معلوم نیست اینها تا کی باید به تبلیغات دروغین و اغواکننده خود ادامه دهند. در جریان این تبلیغات، گاهی دیده می‌شود که برخی از این مدرسان به دروغ خود را متخصص در موضوع و دارای مدرک بالا و مهندس و غیره با سوابق و تجربیات چندین و چند ساله معرفی می‌کنند که بعد از تدریس و از دست دادن مبالغی پول متوجه کذب قضیه می‌شوند. گاهی این معلمان در ضمن تدریس دست به اعمالی می‌زنند که خلاف موازین اسلامی، اخلاقی و اجتماعی است و حتی مرتکب اعمال مغایر با مصالح مملکت (از قبیل تبلیغ برخی فرقه‌های دینی) و فساد اخلاقی و خلاف عفت و حیثیت خانواده‌ها می‌شوند.

بجز مؤسسات، عده‌ای از افراد حقیقی نیز برای تدریس خصوصی اقدام به اینگونه تبلیغات می‌نمایند. تمام کسانی که به روزنامه‌ها آگهی می‌دهند، مدعی در اختیار داشتن کادری از قوی‌ترین دبیران و آموزگاران هستند، اما این کادر آموزشی مورد ادعا، فقط در خودشان و احتمالاً چند نفر از دوستان مشابه خلاصه شده‌است که فاقد هرگونه سابقه فعالیت آموزشی هستند. برخی نیز اصل رشته تحصیلی‌شان چیز دیگری است و در زمینه‌ای که قبول مسئولیت کرده‌اند هیچ تخصصی ندارند. بدیهی است خانواده‌هایی که گرفتار دام این گونه افراد می‌شوند از لحاظ مالی متضرر خواهند شد. به علاوه، فشار روحی زیادی به دانش‌آموز وارد می‌شود و بدتر از آن ممکن است دانش‌آموز مردود شود. بنابراین دانش‌آموزان و اولیای آنها باید بهوش باشند، اگرچه افراد شریفی با اشتغال به این حرفه مدرسان

خانواده ها و دانش آموزان هستند، اما به علت ضابطه مند نبودن شغل تدریس خصوصی و رسمیت نداشتن آن در نظام صنفی و آموزشی کشور، عده‌ای از افراد سودجو وارد معرکه شده و از نیاز دانش آموزان به معلم خصوصی سوء استفاده می‌کنند.

گاهی نیاز به معلم خصوصی از سوی خود معلمان تحمیل می‌شود و اینجاست که خانواده حقیقت موضوع را در می‌یابد و برای اینکه فرزندشان نمره قبولی را از درس آن معلم کسب کند ناگزیر از پرداخت هزینه گزاف در ازای ارائه چند جلسه تدریس خصوصی می‌شوند؛ مخصوصاً دروس دبیرستانی در رشته‌های ریاضی، فیزیک و مکانیک دستمزدهای غیرمتعارف مطالبه می‌کنند که پرداخت آنها به راحتی از هر کسی ساخته نیست؛ و چنین توجیه می‌کنند که دروسی مانند ریاضیات، فیزیک، شیمی و... دروسی نیستند که دانش آموز با مطالعه کتاب قادر به فهم و درک آنها باشند و در نتیجه معلم باید نیروی زیادی صرف تفهیم مطالب به دانش آموز بکند و همین امر باعث می‌شود که دستمزد چنین معلمان گرانتر باشد. بدین ترتیب دانش آموزی که در طول سال تحصیلی به هر دلیلی درس نخوانده و نمره تجدیدی آورده برای آنکه در امتحان شهریور ماه قبول شود چاره‌ای جز پرداخت چنین دستمزدهایی ندارد؛ در غیر این صورت، نه تنها یک سال از عمرش تلف می‌شود بلکه خانواده‌اش باید مخارج یک سال اضافه تحصیل او را نیز بپردازد و در دوره متوسطه دوم نیز ناگزیر از تکرار آن درس و تحمل هزینه تدریس خصوصی باشد.

به علاوه، فرهنگ معلم خصوصی داشتن، گاه فرهنگی اخلاک‌گر و مزاحم است؛ بدین گونه که دانش آموز فاقد معلم خصوصی، خود را در موضع ضعف می‌بیند و دانش آموزی که معلم خصوصی دارد، احساس می‌کند در موقعیتی برتر نسبت به بقیه قرار دارد. در چنین شرایطی وجود معلم خصوصی زمینه‌ای است برای ایجاد فاصله میان او و افراد دیگری که در سطح او قرار دارند. این تفاوت سطح، دو جنبه دارد: از یک سو، این فرصت را برای دانش آموز فراهم می‌کند تا توانایی‌های ویژه‌اش را نشان بدهد؛ از سوی دیگر، بالا رفتن سطح توانایی علمی او باعث می‌شود کلاس درس عملاً کارکردش را از دست بدهد. مثلاً دانش آموزی که معلم خصوصی ریاضی دارد به علت اینکه اغلب از بقیه بچه‌ها جلوتر است، در کلاس حضور مثبتی نمی‌تواند داشته باشد. زیرا سطح متوسط یادگیری کلاس باعث می‌شود او از فعالیت در کلاس خودداری نماید.

روشهای آموزشی معلمان نیز با هم متفاوت است. در بعضی درسها مانند درس ریاضی، تفاوت روشهای تدریس بسیار مهم است. همیشه دانش آموزانی که معلم خصوصی دارند، در این زمینه با مشکل روبرو می‌شوند. آنها مدام در کلاس اعلام می‌کنند مطالب را به روش دیگری یاد گرفته‌اند و سعی دارند برتری آن روش را به معلمشان ثابت کنند. فاصله و تفاوت چشمگیری که میان چنین دانش آموزانی با همکلاسانشان وجود دارد می‌تواند اثرات روانی نامطلوبی را به دو طرف تحمیل نماید.

اما آموزشگاههای خصوصی و آزاد نیز عاری از تبعات سوء نیستند. اینکه در آنها همه درسهای رسمی در قالبهای مختلفی تدریس و ارائه می‌شود، ممکن است به تنبلی شدن سیستم آموزش رسمی منجر شود و معلمان و دانش آموزان ناخودآگاه احساس کنند که حتماً ضرورتی هست که بخشی از بار آموزشی مدارس به عهده این مراکز گذاشته می‌شود. تا آنجا که بسیاری از دانش آموزان باوضع مالی نه چندان مناسب خانواده، حاضرند شهریه‌های سرسام‌آور برای شرکت در این کلاسها بپردازند تا طعم حضور در انواع کلاسهای آموزشی فشرده و نیمه‌فشرده، تکدرس و تقویتی را بچشند؛ غافل از اینکه عادت به حضور یک نیروی کمکی، دانش آموز را به پذیرش مسئولیت‌های اصلی‌اش بی‌توجه می‌کند. این بی‌توجهی می‌تواند او را از هدفهای اصلی آموزش هم دور کند.

حاصل سخن اینکه آموزش و پرورش ما یک بیماری مزمن چند ده ساله و صدها عارضه فرعی دیگر دارد. این بیماری همانا روش آموزش نامناسبی است که دهها سال است که در میان معلمان ما به کار گرفته شده‌است؛ روشی سنتی و پوسیده که از پای‌بست ویران است. از عوارض فرعی آن می‌توان به حجم زیاد کتاب‌های درسی و کم محتوایی آنها، نقص فضاها و وسایل آموزشی، تعداد زیاد دانش آموزان، مشکلات معلمان، روش‌های ارزشیابی غلط، بی‌توجهی به پژوهش و عدم استفاده از

آزمایشگاه اشاره کرد. همه این موارد باعث شده است آموزش رسمی موفق به انجام وظایف خود نشود و دانش‌آموزان برای جبران عقب ماندگیهای درسی خود به کمک‌های آموزشی نیازمند شوند.

رقابت و چشم و هم چشمی در میان خانواده‌ها برای تدریس خصوصی فرزندان نیز، یکی دیگر از دلایل گسترش آموزشگاههای خصوصی، بویژه زبان انگلیسی و تدریس‌های خصوصی خانگی است. اینکه داشتن معلم خصوصی، اساساً خود به معنای لوکس بودن برنامه آموزشی فرد است، در کنار رقم‌های افسانه‌ای هر جلسه تدریس خصوصی، ماجرای است که شرایط دشواری را برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. رقم‌های بالای هر جلسه، ضمن این که از معیار مشخصی پیروی نمی‌کنند، تضمینی هم برای کیفیت آموزشی معلم به شمار نمی‌آیند. کسب شهرت و نام در عرصه تدریس خصوصی و تهیه و تدوین جزوه‌هایی که ملاک روشنی برای سنجش اعتبار آنها وجود ندارد، نمی‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب یک معلم خوب باشد. بنابراین رفع ناکارآمدیهای آموزش و پرورش رسمی از یک سو و سازماندهی تدریسهای خصوصی از سوی دیگر از ضروریاتی است که در نظام آموزشی کشور باید مورد توجه قرار گیرد و این خود مستلزم فراهم آوردن اطلاعات دقیق و لازم در مورد وضعیت نظام آموزشی غیررسمی از سوی مقامات رسمی ذیربط است.

آنچه در این نوشتار مطرح گردید نگاهی اجمالی به تدریس خصوصی در کشورمان بود که در آن به بیان مشکلات این پدیده پرداخته شد؛ اما در مورد راهکارهای لازم برای رفع آنها سخن چندان به میان نیامد. کتاب حاضر، حاصل تحقیقی گسترده از سازمان یونسکو در چند کشور دنیا در زمینه تدریس خصوصی است. این اثر دربرگیرنده تجربیات و راهکارهایی است که می‌تواند برای دست اندرکاران نظام آموزشی کشورمان در حل این مشکلات مفید واقع شود. در خاتمه بر خود وظیفه می‌دانم از دوستان عزیزم آقایان مهندس علی زرافشان و دکتر ابوالفضل بختیاری و سید مصطفی میرحسینی که هر یک به سهم خود در تولید این اثر نقش بسزایی داشتند سپاسگزاری نمایم.

حسن ستایش

عضو هیئت علمی و پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

دوازدهم اردیبهشت (روز معلم) ۱۳۹۲